جناب حیدر قبل علی علیه بهاء اللّه الابهی

هو الکریم ذو الفضل العظیم

جذب و ولهی در مدینهٴ عشّاق ظاهر چه که جوهری از جواهر ثمینه قصد کان خود نموده و عاشقی از عشّاق سبقت گرفته و خود را در سبیل مقصود عالمیان فدا کرده انّ الذّئب افترس و الظّالم عقر و الثّعبان فاغر و بلع سبحان‌ اللّه اعمالیکه سبب حیرت ملأ اعلی است در عباد جاهل تأثیر ننموده جذب ایّام و ظهور انوار و بروز اسرار امام وجوه مشهود ولکن بی‌اثر مشاهده میشود و بی‌ثمر ملاحظه میگردد چه که عصیان سدرهٴ استحقاق را قطع نموده و رجا را از قلوب محو کرده الی حین در وجود عباد نور امر و لطافت آن و جوهریّت آن ظاهر نه از حق بطلب تبدیل فرماید تغییر دهد انّه هو الجواد الکریم

ح‌ی علیک نور اللّه و رحمته و عزّ اللّه و عنایته واقعهٴ ارض صاد را سبب عدم فساد بوده ارادهٴ ظالمین و قصدشان چون مقبول نیفتاد بر ظلم قیام نمودند آنجناب شاهد و مقرّبین و مخلصین گواه که اینمظلوم بجنود مواعظ و نصایح و حکمت و بیان آن نفوس را حفظ نمود ولکن نظر بعدم ذکر این عنایت کبری مستور مانده و سترش عند اللّه اولی از جهر انّهم بریئون ممّا اعمل و انا برئ ممّا یعملون ولکن اولیا طرّاً را بصبر و اصطبار وصیّت مینمائیم باید کل بافق اعلی ناظر باشند امور را بحق جلّ جلاله تفویض کنند طوبی للمتوکّلین الّذین توکّلوا فی الامور علی اللّه مالک یوم النّشور بیقین مبین بدان این ظلمهای واردهٴ عظیمه تدارک عدل اعظم مینماید ظلم فرعون عدل موسی را تدارک نمود و ید اقتدار از بیت او ظاهر کرد آنچه را که بتمام جد و جهد از آن احتراز مینمود و در رفعش میکوشید شوکة اللّه فوق شوکتهم و امر اللّه فوق اوامرهم و ارادة اللّه فوق اراداتهم

نامهٴ آنجناب که باسم جود ارسال نمودید در ساحت مظلوم حاضر و آنچه مذکور باصغا فائز طلب شهادت نمودید و مقامش را از حق جلّ جلاله از قبل و بعد سائل شده‌اید و قلم اعلی شهادت میدهد بر شهادت شما اشکر ربّک بهذا الفضل المبین

در بارهٴ سلطان‌ الشّهدا قبل از شهادت ظاهره قلم اعلی بر شهادتش شهادت داده و باینکلمهٴ علیا ناطق انّ الشّهید یمشی و یتکلّم و یخدم امر مولاه چند سنه قبل از صعود در دفتر شهدا اسمش از قلم اعلی مذکور و مسطور امروز خدمت شما و نصرت امر اعظم است از هر عملی سبحان‌ اللّه کورهای عالم از مشاهده محرومند و کرها از اصغا ممنوع یا ایّها النّاطق باسمی و الذّاکر بثنائی اغنام الهی ما بین ذیاب محصورند حارس و حافظی جز حق نداشته و ندارند و آنجناب باید بکمال حکمت حرکت نماید و بآنچه الیوم لازمست تمسّک جوید اوّل آنکه در قری و مداینیکه نار فتنه مشتعل توجّه بآنشطر جایز نه عدل و انصاف در ایران بمثابهٴ عنقا شده مدّتی بود که حضرت سلطان در حفظ اغنام الهی همّت گماشته بود در هر صورت از سایر عباد رجحان داشته و دارند شفقت و رحمت و عنایتش نسبتی بسایرین نداشته و ندارد از ارض صاد مفتریاتی ذکر نموده و ارسال داشته‌اند انّا لا نحبّ ان نظهر ما هو المستور خلف سرادق العلم و ثانی اولیاییکه در بأسا و ضرّا مضطرب و خائف مشاهده میشوند بأسی بر آن نفوس نه چگونه است حال مرغیکه عقاب بیند و حال غنمیکه از اطراف ذیاب مشاهده کند کمال مرحمت را باید در بارهٴ آن نفوس مبذول داشت و اگر هم امر خلافی و یا کلمهٴ نالایقی از ایشان ظاهر شود باید بصبر جمیل تمسّک جست و بستر اکبر که از نتایج اسم ستّار الهی است تشبّث نمود چه اگر ترک اولی از بعضی ذکر شود سبب حزن آن بیچاره و انفعال او شود و این لدی اللّه محبوب نه حالت اینمظلوم بر کل معلوم است و اراده‌اش واضح و هرگز ملاحظهٴ حفظ خود ننموده و نمینماید در لوح حضرت سلطان اینکلمهٴ علیا از قلم اعلی نازل که معنی آن بفارسی اینست اینمظلوم جالس است در تحت سیفیکه بخیطی یا بشعری معلّق معلوم نیست حال وارد شود و یا ساعت دیگر و یا یوم دیگر بکرّات در حبس رفتیم و در کوچه‌ها و بازارها مثل اسرا ما را گرداندند و جمیع آنچه وارد شد و حمل نمودیم مقصود آنکه عموم اهل عالم از ضغینه و بغضا مقدّس شده بنور محبّت و مودّت و اتّفاق منوّر گردند باری این ایّام توجّه بارض شین و صاد جایز نه نفوس مقبلۀ ثلٰثه و رابع علیهم بهاء اللّه را دوست و دشمن هر دو موجود شیاطین ارض و ذیاب آن در صدد بوده و هستند لذا ورود آنجناب در آن ارض مصلحت نه در ارض صاد باید حال نفسی از اهل آن ارض بر خدمت قیام نماید و بحکمت تمسّک جوید و بنور بیان افئده و قلوب را منوّر نماید نسئل اللّه ان یبعث فیها من یذکرنی و ینصرنی و لا یمنعه الظّلم عن العدل و لا الضّوضآء عن الاستقامة علی نبأ اللّه ربّ العرش العظیم

و این ایّام ذکر اسامی اولیا بر رؤس الواح مقدّسه جایز نه ولکن من غیر اسم عدد اسم اعظم الواح منزله بخطّ غصنین و خادم و عدد ها بخطّ غصن اکبر ارسال شد باسم جود امر نمودیم تفصیل اعطاء الواح را مذکور دارد

ذکر جناب میرزا مهدی خ‌ا علیه بهاء اللّه را نمودید انّه معه یشهد و یری و هو السّمیع البصیر بعنایت حق مطمئن باشند و بفضلش موقن للّه الحمد از اوّل ایّام از کوثر بیان آشامیدند و از رحیق مختوم قسمت عظیم بردند او و اولیای آن ارض را سلام و تکبیر میرسانیم و بانوار تجلّیات آفتاب حقیقت بشارت میدهیم در این ایّام مجدّد ذکرشان از قلم اعلی نازل لو نشآء نرسله فضلاً من عندنا انّ ربّک هو الفضّال الکریم

اولیای آن اطراف طرّاً را از قبل مظلوم ذکر نما بگو از ظلم ظالمین محزون مباشید نسئل اللّه تبارک و تعالی ان یعرّفکم مقامات الّذین اقبلوا و اجابوا اذ ارتفع النّدآء بین الارض و السّمآء و شربوا رحیق الاستقامة من هذه الکأس الّتی تفتخر علی البحور

یا حیدر قبل علی علیک بهآئی قل

الهی الهی عندک کنوز الابصار و الآذان اسئلک بعینک الّتی لا تنام و باسمک الّذی به سخّرت الانام و ببحر آیاتک و ملکوت بیانک بان لا تحرم عبادک عن المشاهدة و الاصغآء انّک انت مولی الوری لا اله الّا انت الفضّال البصّار صلّ اللّهمّ یا الهی علی اصفیآئک و امنآئک الّذین ما خوّفتهم اسیاف العالم و ما منعتهم سبحات الّذین کفروا بیوم الدّین انّک انت المقتدر العلیم الحکیم

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ٢٢ مارس ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۵ بعد از ظهر